

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سرالصلاة امام خمینی قدس سره ۶

« بدان که چنانچه از برای انسان مقامات و مدارجی است که به اعتباری او را دارای دو مقام دانند یکی مقام دنیا و شهادت؛ و دیگر مقام آخرت و غیب؛ که یکی ظلّ رحمن، و دیگر ظلّ (جلوه، مظهر) رحیم است. و به حسب این اعتبار، در ظلّ (جلوه، مظهر) و مربوب، جمیع اسمای ذی ظلّ و ربّ، در حیطة دو اسم «رحمن» و «رحیم» واقع است چنانچه جمع فرموده در آیه شریفه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. و عرفا گویند: ظَهَرَ الْوُجُودُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.»

« بدان که چنانچه از برای انسان مقامات و مدارجی است... » در عرفان اسلامی از ثبات قدم در فضایل و خصال حمیده مانند: توکل، تسلیم، رضا و ...، به «مقام» تعبیر می‌شود؛ ثبات قدمی که به صورت ملکه نفسانی با شخصیت انسان پیوند خورده باشد؛ نه آنکه به صورت حالی گذرا در برخی اوقات پیش آید، «حال» اصطلاحاً در مقابل «مقام» است.

بنابراین «مقام» به این خاطر که سالک در آن مقیم است، مقام گفته شده است «لإقامة السالك فيه» و حال به این علت که سالک از آن می‌گذرد و بقایی برای آن نیست، حال خوانده می‌شود «لإمكان ان يحول السالك عنه» [اصطلاحات، کاشانی، صص ۸۷ و ۸۸]. در قرآن کریم می‌خوانیم: «يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...» (ابراهیم/۲۷) « خدا اهل ایمان را با ثابت قدم و پایدار در حیات دنیا و آخرت قرار می‌دهد. »

اول قدم از وجود بیگانه شدم	اندر طلب یار چو مردانه شدم
او عقل نمی خرید، دیوانه شدم	او علم نمی شنید، لب بر بستم

به فرمایش امام صادق (علیه السلام) مؤمنی که در طول زندگی اش برای پیمودن راه خدایی در دشواری ها و آزمایشات گوناگون ثبات قدم داشته باشد، در وقت احتضار مورد هجوم شیطان واقع می شود که برای دزدیدن ایمان او می آید. « إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَأْتِي الرَّجُلَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا عِنْدَ مَوْتِهِ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ لِيُضِلَّهُ عَمَّا هُوَ عَلَيْهِ فَإِنِّي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ... » (الأمالی للطوسی، ص ۳۷۷) هرگاه زمان مرگ یکی از طرفداران و شیعیان ما

فرامی‌رسد شیطان از راست و چپ به بالین او می‌آید تا او را از آنچه بدان اعتقاد دارد گمراه سازد، ولی خداوند عزوجلّ از آن جلوگیری می‌کند و نمی‌گذارد و این همان فرمایش خداوند متعال است **يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ**».

دام سختست مگر یار شود لطف خدا ورنه آدم نبرد صرفه زشیطان رحیم

براهن‌عازب گوید: همراه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای تشییع جنازه مردی از انصار رفتیم، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) کنار قبر او نشست و سر مبارکش را پایین انداخته بود، سپس سه مرتبه عرض کرد: «بار خدایا! از عذاب قبر به تو پناه می‌برم»! آنگاه فرمود: «مؤمن وقتی که رو به آخرت می‌رود، خداوند فرشتگانی را بر او می‌گمارد که سیمایشان چون خورشید می‌درخشد و حنوط و کفن وی نیز همراه آنهاست، پس در مقابل چشمش می‌نشینند وقتی که روح از بدنش بیرون شد، تمام فرشتگان بین آسمان و زمین و تمام فرشتگان آسمان بر او درود می‌فرستند و درهای آسمان به روی او گشوده می‌شود و هیچ دری از درهای آسمان نیست مگر اینکه دوست دارد روح وی از آن وارد شود و هنگامی که روحش بالا رفت، گویند: «بار خدایا! بندهات فلانی است»! خطاب می‌رسد: «او را برگردانید تا به او نشان دهم، نعمت‌هایی را که برایش آماده ساخته‌ام که من به او این وعده را داده‌ام؛ ما شما را از آن [زمین] آفریدیم و در آن بازمی‌گردانیم و بار دیگر [در قیامت] شما را از آن بیرون می‌آوریم! و او صدای پای تشییع‌کنندگان را می‌شنود آن هنگامی که برمی‌گردند تا اینکه فرشتگان الهی می‌پرسند: «ای فلان! پروردگارت کیست؟ پیامبرت کیست؟ و امامت کیست؟» جواب می‌دهد: «خدای یکتا پروردگار من است و محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر و علی (علیه السلام) امام من و یک‌یک امامان را می‌شمرد». [پیامبر (صلی الله علیه و آله)] فرمود: «آن دو فرشته با صدای بلندی او را وامی‌گذارند و این آخرین خطری است که متوجه او می‌شود و پس از گفتن آن جواب‌ها منادی ندا می‌دهد: «راست گفتی! و همان است معنای سخن خدای متعال که فرمود: **يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ**». (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۹۰)

ای که صبر نیست از دنیای دون چونت صبر است از خدا، ای دوست چون

«به اعتباری او (انسان) را دارای دو مقام دانند (عرفا): یکی مقام دنیا و شهادت؛ و دیگر مقام آخرت و غیب؛ که یکی ظلّ (جلوه، مظهر) رحمن، و دیگر ظلّ (جلوه، مظهر) رحیم است. و به حسب این اعتبار، در ظلّ (جلوه، مظهر) و مربوب، جمیع اسمای ذی ظلّ (متجلی) و ربّ، در حیطة دو اسم «رحمن» و «رحیم» واقع است (وجود

دارد) چنانچه جمع فرموده در آیه شریفه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. و عرفا گویند: ظَهَرَ الْوُجُودُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. امام راحل ره در شرح کلمه طیبه «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌فرماید: «پس از ذکر نام «الله» - که اسم جامع است و جلوه جامع همه جلوه‌های حق تعالی است -، اسم رحمان و رحیم، به عنوان جلوه‌های آن اسم جامع (الله) آمده است (تفسیر سوره حمد، امام خمینی، ص ۱۰۴-۱۰۵)، آن حضرت به استناد آیه شریفه «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (سوره اعراف) «رحمت من، همه موجودات را فرا گرفته است» و دیگر آیات اسم شریف «رحمان» را محیط‌ترین اسمای الهیه می‌داند، که مقدّم بر دیگر تجلیات خداوند است. (تفسیر سوره حمد، امام خمینی، ص ۲۳)، امام صادق علیه السلام در دعای خود این چنین عرضه می‌دارد: «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۳۹) «ای کسی که رحمتش بر غضبش سبقت گرفته است!».

حمد لله کین رسن آویختند فضل و رحمت را بههم آمیختند در رسن زن دست و بیرون رو ز چاه تا ببینی بارگاه پادشاه

از این نظر امام راحل ره در تفسیر سوره حمد می‌فرماید: «رحمت رحمانی، مقام بسط وجود است و رحمت رحیمی، مقام بسط کمال وجود. پس وجود، با رحمت رحمانی پدیدار شد و هر پدیده‌ای، با رحمت رحیمی، به کمال معنوی و هدایت باطنی خویش می‌رسد» (تفسیر سوره حمد ص ۲۱۳). ابن عربی بر همین مبنا اینچنین تعبیر کرده است: «ظَهَرَ الْوُجُودُ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (الفتوحات المکیه، ج ۱، ص ۱۰۲) جهان، با بسم الله الرحمن الرحیم پدید آمده است. و به تعبیر امام راحل ره: «این جلوه رحمت رحمانیه است که نظام عالم وجود، مطلقاً بر پایه آن نهاده شده» (تفسیر سوره حمد، ص ۲۲۱). اما این که امام خمینی قدس سره انسان کامل را مظهر اسم جلاله الله و جلوات آن «رحمن و رحیم» معرفی فرموده‌اند، به جهت روایات وارده در این باب است؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «لَنْ كُلَّ مَا فِي الْعَالَمِ فِي الْقُرْآنِ وَ كُلَّ مَا فِي الْقُرْآنِ بِأَجْمَعِهِ فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَ كُلَّ مَا فِي الْفَاتِحَةِ فِي الْبَسْمَلَةِ، وَ كُلَّ مَا فِي الْبَسْمَلَةِ فِي الْبَاءِ، وَ أَنَا النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ» (شرح توحید الصدوق، للقاضی سعید القمی، ص ۳۲)؛ تمام آنچه در عالم است در قرآن است و تمام آنچه در قرآن است در سوره حمد و آنچه در سوره حمد است در بسم الله الرحمن الرحیم جمع شده است، و آنچه در بسم الله الرحمن الرحیم است در باء آن است و من نقطه تحت الباء هستم». سید حیدر آملی در مورد «نقطه» چنین می‌گوید: «از این جهت، این حقیقت را نقطه نامیده‌اند که این حقیقت، اولین وجود متعین در عالم هستی است که به خاطر تعین خود، پیدایش تعینات دیگر را به دنبال داشته است. مانند نقطه باء که اولین نقطه ای است که الف را که هیچ

اسم و رسم و حدی نداشت، به شکل باء متعین ساخت. «باء» همان «الف» است که به وسیله نقطه، تعین «بائی» یافته است. این سخن امیرمؤمنان (صلوات الله و سلامه علیه) که فرمود: «انا النقطة تحت الباء»، به همین مطلب اشاره دارد. همان گونه که نقطه باء سبب تعین الف و پیدایش باء شده است، امیر مؤمنان نیز، همانند آن نقطه در عالم هستی است که سبب تعین وجود شده است. و نیز این بیان آن حضرت که فرمود: «لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيراً مِنْ بَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - اگر بخواهم هفتاد بار شتر را از تفسیر باء در آیه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ پر می‌کنم» و نیز می‌فرماید: «لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيراً فِي تَفْسِيرِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ». - اگر می‌خواستم می‌توانستم چنان فاتحه‌الکتاب را تفسیر کنم که بار هفتاد شتر شود. « به همین نکته اشاره دارد. به همین معناست سخن دیگر آن حضرت که فرمود: «الْعِلْمُ نَقْطَةُ كَثْرَتِهَا جَهْلُ الْجُهْلَاءِ - علم یک نقطه است و نادان‌ها آن را زیاد کرده‌اند. » و به همین معانی اشاره دارد سخن عارفان که گفته‌اند: ظهر الوجود من باء بسم الله الرحمن الرحيم». (آملی سید حیدر، نقد النقود، ص ۶۹۵).

در خرابات مغان نور خدا می بینم وین عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم
نیست در دایره یک نقطه خلاف از کم و بیش که من این مسئله بی چون و چرا می بینم
 امام رضا علیه السلام فرمود: «: مَعْنَى قَوْلِ الْقَائِلِ بِسْمِ اللَّهِ أَيْ أَسْمُ عَلَى نَفْسِي سِمَةً مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ وَهِيَ الْعِبَادَةُ؛ - معنای گفته کسی که بسم الله می گوید، یعنی نشانی از نشانه های خداوند را بر خود می گذارم و آن عبادت است.» (التوحید، ص ۲۲۹)

از این سخن حضرت (ع) با تفسیری که امام خمینی ره و دیگر عرفا از روایات نقطه تحت الباء نموده‌اند، فهمیده می‌شود که انسان کامل در عالم تکوین مظهر اتمّ و جود ظلّی خداوند است، یعنی مظهر جمیع اسماء و صفات واجب تعالی و دارای ولایت تکوینی است، و مفاتیح غیب، باذن الله تعالی، در دست اوست و قلبش، خزانه‌دار اسرار و علوم الهی و مؤید به روح القدس می‌باشد؛ از این جهت غایت مسیر تکاملی افراد انسان و سایر موجودات، به سوی صراط مستقیم (انسان کامل) است که باید راه تقرب به او را طی نمایند تا به کمال مطلوب خود (مجد و عظمت و سعادت)، نایل شوند. آنچنان که از ملک تا ملکوت همه، از مراتب این انسان کامل شمرده می‌شوند.

هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست و نه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست
ای خلیفه زاده بی معرفت با پدر در معرفت شو هم صفت
رنج مردم روز و شب عمری دراز تا به صد زاری دری کردند باز

تو بدین زودی بدان در کی رسی

در نخستین آیه بر سر چون رسی